یادداشت

وگرنه منو می‌کشی؟

ادامه از صفحه اول

چندی پیش بسیار پدرانه گفتم: دخترم گوشی بسه، نگاهی هم به درس بنداز. ناخودآگاه گفت وگرنه منو می‌کشی؟ و هردو زدیم زیر خنده. اگرچه در آن لحظه خندیدم، ولی شب، هنگام استراحت بسیار به جمله‌اش فکر کردم و چه‌بسا در من اثر منفی گذاشته بود. از بی‌خوابی به فضای مجازی و اسکرول‌کردن پناه بردم. فاجعه بود؛ دائم کلیپ‌های دردناک از قتل دختران به دست پدران و نبود قانون و بی‌پناهی دختران. هیچ بحثی از این نبود که اینها عده بسیار بسیار قلیل و ناچیزند و قاطبه پدران جامعه نگاه این چنین به دخترانشان ندارند. من هرچه پدر و دختر در اطراف خودم می‌بینم، دارای روابطی بسیار حسنه هستند و حتی مطمئنم امثال پدر سوگند در کل ایران در اقلیت مطلق و حتی نه نسبی هستند. نه در پایتخت و شهرهای بزرگ که در روستاها و شهرهای کوچک نیز نگاه به دختران جامعه تغییر کرده و بزرگ‌نمایی عده‌ای قلیل، آن هم بدون پرداختن به وجه دیگر جامعه، بسیار بر روح و روان دختران ۹ تا ۱۸ سال جامعه و حتی بیشتر، تأثیر ویرانگر خواهد گذاشت. تشکیل کارزار، کارگروه و جلسات بحث و بررسی باید تمام وجوه جامعه و واقعیت‌ها را ببیند؛ اینکه این عده چند درصد جامعه ایران هستند و روند کلی ایران به کدام سو است. آیا روند کلی حرکت در ایران علیه زنان است؟ و در این مورد خاص، آیا فرهنگ پدری‌کردن در جامعه ایران به سمت دخترکشی در حرکت است و دختران باید در مجموع دائم احساس ناامنی و سرخوردگی کنند یا روند کلی خلاف آن است و ما صرفا بنا بر آن داریم قانون را به حمایت بیاوریم؟ در مورد قانون اگر همه چیز تغییر کرد و حکم به اعدام امثال پدر سوگند دادند، آیا فضای مجازی را پر از نه به اعدام می‌کنیم یا خیر؟ آیا این موجودات نیاز به کار فرهنگی و روان‌درمانی دارند یا خیر، برخورد قانونی در کنار فرهنگ‌سازی بدون تعمیم خشونت به جامعه؟ مراقب روح و روان دختران جامعه باشیم، وگرنه فردا دودش به چشم خودمان خواهد رفت.

آلزایمر قدرت

ادامه از صفحه اول

تقوا و ترس از خدا به معنای درستکاری و رعایت حقوق مردم و پرهیز از گناه، نظم در کارها به‌منزله اجرای قواعد حقوقی و هنجارهای اخلاق اجتماعی و برقراری صلح و آشتی و دوستی. ساده‌اندیشانه است که عمل به این اصول و معیارها را محدود به اعمال فردی کنیم. بسیار مهم‌تر از وظایف فردی، رفتاری است که حکمران باید در چارچوب این معیارها و برای تحقق آنها انجام دهد که مردم بر آیین حاکمان‌اند و «گر از درخت رعیت ملک خورد سیبی»، پیروانش درخت از ریشه به در می‌آورند. اینک در حکمرانی ما کدام‌یک از این معیارها در یادهاست و پایه عملکرد ساختار دولت‌هاست و متناسب با آنها رفتار می‌شود؟ فسادی که با سوءاستفاده از قدرت گسترده شده، صدای همه را درآورده است. روز ۲۰ تا ۲۵ میلیون لیتر قاچاق سوخت، سالی ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق، ثروت‌های هنگفت و حیرت‌انگیزی که با نقض حق عامه به چنگ عده‌ای رسیده و حاصل اینها توسعه فقر و نداری و ضعیف‌ترشدن مردم بوده است. تقوا و ترس از خدا و پرهیز از گناه و احساس مسئولیت در برابر ذات الهی و مردم کجا بوده که چنین اوضاعی فراهم آمده است. تقسیم کاری که قانون اساسی و قوانین عادی برای ارکان حکومت و سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف تکلیف کرده، مخلوط شده است. اجرای قوانین یا معلق است یا ناقص، حقوق مردم کم‌اهمیت است و هرکس زور بیشتر دارد انگار حق بیشتر هم دارد. طرفه آنکه در این وضعیت اختلال نظم خیلی‌ها هستند که بهره‌های فراوان می‌برند و اگر نظم حقوقی برقرار شود، ایشان از منافع سرشار خود محروم خواهند شد. پس باد به آتش اختلال نظم می‌دمند. اما وضعیت صلح و توسعه آشتی در جامعه را می‌توان به‌سادگی از گفتارها و رفتارهای جریان‌های سیاسی به‌خوبی دریافت. خشونت کلامی، خشونت رفتاری، توهین و افترا در سطوح بالای سیاست بازاری پررونق دارد. خشم و خشونت حتی اگر به استناد قانون هم باشد، اثرش در جامعه افزایش قهر و خشم است. تلاشی برای آشتی نیست. آشتی این نیست که یکی تسلیم دیگری شود؛ صلح و آشتی زمانی رخ می‌دهد که هر دو سو نه با زور بلکه با تفاهم به میانگین خواست‌های خود رسیده باشند. دین فقط شریعت و احکام نیست که در حقوق ایران فقط به آنها اتکا و استناد می‌شود. اگر حقوق ایران می‌خواهد مبتنی و متکی بر دین باشد، نمی‌تواند معیارهای بنیادینی را که در اصیل‌ترین متون دینی مانند نهج‌البلاغه هست، به فراموشی بسپارد. آیا نسپرده است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت دوم
انجمن علمی ویروس شناسی ایران به شماره ثبت ۱۱۹۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۰۷۸
احتراما به استحضار می رساند مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول در روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ به رسمیت نرسید. لذا بدینوسیله از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت دوم که روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۶ از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷ به آدرس: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبروی بیمارستان مرکز قلب تهران، خیابان دانش ثانی (اخلاق)، بعد از تقاطع صالحی، پلاک ۱۵، طبقه اول، جامعه علمی آزمایشگاهیان ایران، سالن اجتماعات برگزار می گردد، شرکت فرمایید. **دستور جلسه:** ۱-تعیین اعضای کمیته انتخابات الکترونیک هیات مدیره و بازرس جدید انجمن ۲ - تصویب چارت تشکیلاتی و کارگروه های تخصصی انجمن ۳ - آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است. **هیئت مدیره انجمن علمی ویروس شناسی ایران**

برگه سهام شماره ۴۰۸ تعاونی تولیدی توزیعی کارکنان سازمان کشاورزی استان تهران ارمغان نصرت بنام علیرضا علی پناهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز سواری پژو ۲۰۶ اس دی تی یو ۵ مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید به شماره شاسی NAAP41FE9JJ592806 و شماره موتور 167B0053646 شماره پلاک ایران ۲۰ ۴۱۳ ه ۵۶ به نام هادی عامری مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مینا موسی پور بفراجرد فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۲۹۰۰۵ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته جغرافیای انسانی گرایش شهری مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی(ره) مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۱۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری یادگار امام خمینی(ره) ارسال نماید


عکس: زهیر صیادلو، فارس

گزارش «شرق» از طرح تأسیس «سازمان نظام خبرنگاری» و مشکلات این طرح از نظر روزنامه‌نگاران

نسخه دولتی برای روزنامه‌نگاری

محمدحسین موسوی: خبرنگاران با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ بی‌ثباتی، حقوق‌های ناچیز، نبود یک بیمه کارآمد و همگانی، انواع و اقسام برخوردهای سلیقه‌ای و قراردادهای نصفه‌ونیمه، همه و همه از مسائلی است که اهالی روزنامه و خبر در طول عمر کاری خود باید تجربه کنند و به هر شکلی که شده با آنها کنار بیایند. در میان تمام این بحران‌ها اما طرح‌هایی نوشته می‌شود که عرصه را بیش از پیش برای آنها تنگ‌تر می‌کند؛ گویی درکی از واقعیت مشکلات خبرنگاران وجود ندارد. آخرین نسخه این شکل از طرح‌ها را «مرکز پژوهش‌های مجلس» به‌عنوان پیش‌نویس «سازمان نظام خبرنگاری» مطرح کرده است؛ پیش‌نویسی که به کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی فرستاده شده و در مسیر بررسی و تصویب است. به گفته نویسندگان، قرار است این طرح سازمانی را به‌عنوان بازوی اجرائی وزارت فرهنگ تأسیس کند که از طریق آن، نظامی از شناسایی و احراز هویت حرفه‌ای شکل بگیرد، ضوابط رفتاری و اخلاقی از طریق منشوری مشخص تعیین شود و کمک‌ها و مطالبات رفاهی، معیشتی و شغلی شکل و نهادی معین بیابد. اما فارغ از تمام این نکات و پیش‌بینی‌های مثبت، اهالی رسانه انتقادات مختلفی به این طرح دارند؛ روشن‌نبودن سازوکارهای تعیین اعضا، وجود بازوهای تنبیهی و محدودکننده متعدد، قراردادن روزنامه‌نگاران ذیل یک نهاد دولتی به شکل مستقیم و همین‌طور تضاد این سازمان با نهادهای صنفی موجود، از جمله این انتقادات است. حتی در روزهای اخیر کارزاری با عنوان «اعتراض به طرح تشکیل سازمان نظام خبرنگاری» نیز منتشر شده است و «افشین امیرشاهی»، روزنامه‌نگار و نویسنده این کارزار، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این طرح به مشکلات واقعی خبرنگاران نمی‌پردازد و آن را «قوز بالا قوز» می‌داند.

طرح‌های نافرجام تکراری

سال ۱۳۷۶ در دورانی که تنها سازوکار موجود در حوزه خبرنگاری، «قانون مطبوعات» مصوب سال ۱۳۶۴ بود، نخستین تشکل فراگیر و مستقل خبرنگاران با عنوان «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» تأسیس شد. این انجمن توانست به مدت ۱۲ سال به فعالیت ادامه دهد و در نهایت سال ۱۳۸۸ به دنبال شکایت نهادهایی خاص تعطیل شد؛ نقطه شروع ارائه طرح‌هایی برای تأسیس نهادی دولتی که بتواند خلأ ایجادشده به علت تعطیلی «انجمن صنفی» را پر کند از همین دوران شروع شد؛ خلأیی که حتی پس از بازگشایی دوباره «انجمن صنفی» نیز از نگاه مسئولان دولتی پر نشد. نخستین طرح پیشنهادی در سال ۱۳۹۳ با عنوان «سازمان نظام رسانه‌ای» توسط وزارت فرهنگ ارائه شد. این طرح که قرار بود به ساماندهی حرفه خبرنگاری و حمایت از حقوق صنفی اهالی رسانه بپردازد، از همان ابتدا با انتقادات گسترده حقوق‌دانان و فعالان رسانه‌ای مواجه و در نهایت نیز پیش از اجرا، در همان مراحل ابتدایی متوقف شد. بزرگ‌ترین نقدی که در آن دوران به این طرح می‌شد، معطوف به جایگاه نظارتی این نهاد و ضدیت ذاتی آن با استقلال حرفه خبرنگاری بود؛ حرفه‌ای که خود پیش از این طرح، طعم داشتن یک نهاد مستقل صنفی را چشیده است. در ۱۴ آبان ۱۳۹۶ وزارت ارشاد با پیگیری‌های معاونت مطبوعاتی وقت، پیش‌نویس رسمی لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» را بازنویسی و بار دیگر منتشر کرد تا نظر اهالی رسانه را جویا شود. این طرح که ۶۶ ماده داشت، در بخشی از خود به این مسئله اشاره داشت که با تأسیس این سازمان، اشتغال به حرفه روزنامه‌نگاری منوط به دریافت پروانه روزنامه‌نگاری توسط این سازمان می‌شود و این سازمان نیز اختیار دارد که بر اساس اصولی مبهم، تصمیم به ابطال طولانی‌مدت یا دائم پروانه کاری فرد بگیرد. این طرح نیز با انتقادات بسیاری که به آن شد، در مرحله تصویب در مجلس باقی ماند و به اجرا نرسید. با گذشت سال‌ها و بازگشایی دوباره «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، در سال ۱۴۰۵ و با طرح «سازمان نظام خبرنگاری» دوباره بحث ایجاد سازمانی دولتی برای خبرنگاران مطرح شده است. وجود مسائلی که در طرح‌های پیشین نیز بوده، از جمله مسئله «پروانه خبرنگاری» و مسائل انضباطی، این طرح جدید را نیز با انتقادات فراوانی مواجه کرده است.

استقلال صنفی زیر سؤال

«افشین امیرشاهی»، روزنامه‌نگار، فعال صنفی و سردبیر روزنامه «هفت صبح» است. او درباره طرح «سازمان نظام خبرنگاری» می‌گوید: «این دفترچه را مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه کرده و شامل شش فصل و ۵۲ ماده است. در ابتدای آن هم با همین ادبیات شروع کرده‌اند که حمایت مؤثر از خبرنگاران صرفا یک مطالبه صنفی نیست، بلکه از الزامات حکمرانی رسانه‌ای، ارتقای مرجعیت رسانه‌ای کشور و تقویت سرمایه اجتماعی نظام است. اینها عبارت‌هایی است که در مقدمه آمده، اما وقتی وارد جزئیات طرح می‌شویم، می‌بینیم مسئله اصلی خبرنگاران، یعنی ناامنی شغلی، ضعف نظام بیمه‌ای، ضعف نظام رفاهی و مشکلات معیشتی، عملا به شکل جدی حل نشده است». امیرشاهی معتقد است این طرح از همان مرحله تشکیل سازمان، آن را به دولت وابسته می‌کند: «در این طرح، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری سازمان سردبیر هفت صبح، بدون داشتن سازوکاری شفاف و همگانی تبدیل به ابزاری برای اعمال سلیقه‌ای محدودیت می‌شود: «وقتی قرار است سازمانی منشور اخلاقی تدوین کند و بر اساس آن با خبرنگاران برخورد انضباطی داشته باشد، باید از قبل دقیقا مشخص شود تخلف چیست، مرجع رسیدگی چه کسی است، خبرنگار چگونه می‌تواند از خودش دفاع کند و آیا امکان اعتراض و تجدیدنظر وجود دارد یا نه. در این طرح، بسیاری از این موارد یا روشن نیست یا به اندازه‌ای کلی و مبهم نوشته شده که می‌تواند در عمل به شکل سلیقه‌ای تفسیر شود. هر نوع تخلفی باید تعریف دقیق و حقوقی داشته باشد. باید روشن باشد چه رفتاری تخلف است، چه مجازاتی دارد، مرجع رسیدگی چه ترکیبی دارد، متهم چگونه از خودش دفاع می‌کند و آیا حق تجدیدنظر برای او در نظر گرفته شده است یا نه. نمی‌شود مجموعه‌ای از عناوین کلی را وارد قانون کرد و بعد اختیار تفسیر آنها را به یک سازمان داد». او به وجود عبارت‌هایی مانند «اخلال در اعتماد عمومی» و «رفتار غیراخلاقی» در متن اشاره می‌کند: «این عنوان‌ها بسیار کلی و تفسیرپذیر هستند. مثلا خبرنگاری درباره قتل زنان به دست مردان نزدیک به آنها گزارشی تهیه می‌کند. از نظر یک نفر، این گزارش اطلاع‌رسانی ضروری و در راستای آگاهی عمومی است؛ اما ممکن است فرد یا نهادی دیگر بگوید انتشار چنین گزارشی باعث اخلال در اعتماد عمومی یا تشویش افکار عمومی شده است. وقتی عنوان تخلف دقیق نباشد، هر گزارشی را می‌توان با یک تفسیر خاص، تخلف تلقی کرد. یا عنوانی مثل رفتار غیراخلاقی می‌تواند تقریبا هر چیزی را در بر بگیرد. رفتار غیراخلاقی دقیقا به چه معناست؟ چه مرجعی آن را تعیین می‌کند؟ آیا انتقاد تند از یک مسئول رفتار غیراخلاقی است؟ آیا انتشار گزارشی که برای یک دستگاه خوشایند نیست، اخلال در اعتماد عمومی محسوب می‌شود؟ اگر این مفاهیم تعریف نشوند، می‌توانند به ابزار فشار علیه خبرنگاران منتقد تبدیل شوند».

خبرنگاری مدرک‌محور نیست

او از مدرک‌محوری این طرح انتقاد می‌کند و می‌گوید خبرنگارشدن بیش از دریافت یک پروانه کاری، به طی‌شدن فرایندها و دستاوردهای دیگری نیاز دارد: «روزنامه‌نگار با کارکردن، خبرنوشتن و گزارش تهیه‌کردن، روزنامه‌نگار می‌شود؛ نه صرفا با مدرک دانشگاهی یا عضویت در یک تشکل. اگر قرار بود این طرح فقط درباره آموزش تخصصی یا یک گواهی‌نامه اختیاری باشد، بحث متفاوتی داشت. اما وقتی صحبت از صدور پروانه برای فعالیت حرفه‌ای می‌شود، مسئله خطرناک است؛ چون ممکن است فعالیت خبرنگار به داشتن یا نداشتن یک مجوز وابسته شود. مشخص نیست این سازمان قرار است بر چه مبنایی صلاحیت حرفه‌ای افراد را بسنجد؛ آیا مدرک دانشگاهی ملاک است؟ آیا سابقه کار ملاک است؟ آیا تعداد مطالب منتشرشده اهمیت دارد؟ آیا رسانه‌ای که خبرنگار در آن کار می‌کند باید تأیید شود؟ اگر قرار است سازمان درباره خبرنگاربودن یا خبرنگارنبودن افراد تصمیم بگیرد، باید معیارهای روشن، قابل سنجش و غیرسلیقه‌ای وجود داشته باشد». امیرشاهی با اشاره به تجربه خود در کمیته عضوگیری یک انجمن صنفی می‌گوید: «ما وقتی در کمیته عضوگیری بودیم، سابقه انتشار مطلب افراد در روزنامه یا رسانه را بررسی می‌کردیم. تفاوت میان کسی که در یک رسانه حرفه‌ای خبر و گزارش نوشته است با کسی که در روابط‌عمومی یک دستگاه بولتن تهیه کرده، روشن است. این دو را نمی‌توان یکی دانست. اما در چنین سازمانی معلوم نیست این تفکیک چگونه انجام خواهد شد. ممکن است فردی سال‌ها در روابط‌عمومی یک سازمان کار کرده باشد و گزارش‌های داخلی یا بولتن‌های سازمانی نوشته باشد؛ این فرد الزاما خبرنگار نیست. خبرنگار کسی است که در یک رسانه کار می‌کند، خبر تولید می‌کند، گزارش تهیه می‌کند و در برابر مخاطب و استانداردهای حرفه‌ای مسئول است. اگر معیار روشن نباشد، افراد زیادی از روابط‌عمومی‌ها وارد سازمان می‌شوند و جای خبرنگاران واقعی را می‌گیرند. ممکن است کسی مدرک روزنامه‌نگاری داشته باشد، اما هیچ‌وقت خبر و گزارش جدی تولید نکرده باشد. در مقابل، ممکن است فردی تحصیلات دانشگاهی مرتبط نداشته باشد، اما سال‌ها خبرنگار باشد و کار حرفه‌ای انجام دهد. بنابراین نمی‌توان با یک الگوی اداری و پروانه‌ای، مرز خبرنگاربودن را تعیین کرد». به گفته او، رسانه‌های حرفه‌ای خودشان سازوکار تشخیص خبرنگار را دارند: «رسانه حرفه‌ای خبرنگار را انتخاب می‌کند، با او همکاری می‌کند و برایش کارت خبرنگاری صادر می‌کند. این رسانه است که می‌داند فرد چه کاری انجام می‌دهد و آیا صلاحیت کار حرفه‌ای دارد یا نه. حالا قرار است سازمانی بیرون از رسانه، با معیارهایی که هنوز روشن نیست، درباره خبرنگاربودن افراد تصمیم بگیرد و برای آنها پروانه صادر کند. این سازوکار می‌تواند هم فعالیت حرفه‌ای را محدود کند و هم افراد غیرخبرنگار را وارد مجموعه خبرنگاران کند».

یک نهاد، متولی همه چیز

او یکی از ایرادهای اساسی طرح را تمرکز اختیارات در دست سازمان می‌داند؛ اختیاراتی که اصلا کم‌اهمیت نیستند: «سازمان در طرح پیشنهادی فقط یک نهاد مشورتی یا حمایتی نیست. برای آن اختیارات گسترده‌ای در نظر گرفته شده؛ از صدور پروانه تا تدوین منشور اخلاقی و تعیین تخلف‌ها و مجازات‌ها. این سازمان می‌تواند درباره فعالیت حرفه‌ای خبرنگاران تصمیم بگیرد و برای آنها تذکر، اخطار، تعلیق عضویت یا محرومیت چندساله در نظر بگیرد. خبرنگاران در وضعیت فعلی هم با فشار و مجازات از سوی دستگاه قضائی، معاونت مطبوعاتی و نهادهای امنیتی روبه‌رو هستند. حالا در چنین شرایطی، یک نهاد جدید هم ایجاد می‌شود که می‌تواند برای خبرنگار مجازات تعیین کند. این پرسش وجود دارد که آیا تشکیل چنین سازمانی قرار است حمایت از خبرنگار باشد یا اضافه‌کردن یک مرجع تازه برای کنترل و تنبیه او؟». در طرح مجلس، بخشی نیز به «منشور اخلاقی» اختصاص داده شده است؛ منشوری که از نظر شنیده‌ام که تعدادی از روزنامه‌نگاران را دعوت کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد افراد کم‌تجربه‌تر بیشتر در این فرایند حضور داشته‌اند و روزنامه‌نگاران باتجربه کمتر در آن نقش داشته‌اند. یکی از افرادی که در این فرایند حضور داشته، طرح را برای گرفتن نظر در اختیار من گذاشت. اما مسئله این است که صرف دعوت از چند نفر، به معنای مشارکت واقعی جامعه خبرنگاری در تدوین طرح نیست. مشارکت واقعی یعنی پیش‌نویس منتشر شود، درباره آن بحث عمومی صورت بگیرد، خبرنگاران و تشکل‌های صنفی بتوانند نظر بدهند و مشخص باشد کدام پیشنهادها پذیرفته یا رد شده‌اند. اینکه چند نفر به جلسه‌ای دعوت شوند و بعد متن نهایی بدون اعلام نام‌ها و جزئیات منتشر شود، مشارکت صنفی محسوب نمی‌شود». به گفته امیرشاهی، این طرح سابقه مشابهی نیز دارد: «پیش از این، در دوره معاونت مطبوعاتی آقای انتظامی، طرحی برای تشکیل سازمان نظام رسانه‌ای و اصلاح قانون مطبوعات و قانون خبرگزاری‌ها مطرح شد. آن طرح هم با واکنش منفی خبرنگاران روبه‌رو شد و متوقف ماند. آن تجربه نشان داد که نمی‌توان برای خبرنگاران و رسانه‌ها ساختار صنفی و حرفه‌ای طراحی کرد، اما خود خبرنگاران و تشکل‌هایشان را کنار گذاشت. اگر قرار است چنین نهادی شکل بگیرد، باید از دل جامعه حرفه‌ای و با مشارکت واقعی روزنامه‌نگاران بیرون بیاید، نه اینکه ابتدا در یک نهاد دولتی یا شبه‌دولتی طراحی شود و بعد از خبرنگاران خواسته شود آن را بپذیرند». این سردبیر تأکید دارد حمایت از خبرنگاران باید معطوف به واقعیات موجود در این حوزه باشد: «مسئله خبرنگاران امروز بیش از هر چیز معیشت، امنیت شغلی، بیمه، درمان، بازنشستگی و دسترسی به امکانات رفاهی است. خبرنگار نمی‌داند شش ماه دیگر شغل دارد یا نه، قراردادش تمدید می‌شود یا نه، در صورت بیماری هزینه درمانش را چگونه پرداخت کند و اگر از کار بیکار شد، چه حمایت اجتماعی‌ای از او وجود دارد. سازمانی که این مشکلات را حل نکند اما برای خبرنگار پروانه صادر کند و منشور اخلاقی بنویسد، حمایتی از خبرنگار نکرده است. حمایت از خبرنگار یعنی اینکه خبرنگار بتواند با آزادی و امنیت کار کند، قرارداد روشن داشته باشد، بیمه شود، از حمایت حقوقی برخوردار باشد و در صورت انتشار گزارش انتقادی، با مجازات‌های متعدد و مبهم مواجه نشود. اگر قرار باشد نهاد جدیدی ایجاد شود که اختیار تذکر، تعلیق و محرومیت داشته باشد ولی درباره معیشت و امنیت شغلی خبرنگار کاری نکند، این سازمان نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه یک لایه تازه به فشارهای موجود اضافه خواهد کرد». در نهایت او این طرح را «قوز بالا قوز» توصیف می‌کند: «اگر مجلس واقعا دغدغه خبرنگاران را دارد، باید به سراغ مشکلات واقعی آنها برود؛ مشکلاتی که سال‌هاست درباره‌شان صحبت می‌شود و هنوز حل نشده‌اند. در غیر این صورت، سازمان نظام خبرنگاری چیزی جز قوز بالای قوز مشکلات خبرنگاران نخواهد بود».

طرحی بی‌پاسخ به مشکلات

«ایرج اسلامی» دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، از کسانی است که در جلسات این انجمن صنفی با مرکز پژوهش‌های مجلس حضور داشته است: «ما در جلساتی که مرکز پژوهش‌های مجلس گذاشته بود شرکت کردیم و دیدگاه‌هایمان را هم آنجا مطرح کردیم. از ما خواستند نظرهایمان را مکتوب کنیم. ما و انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی یک نامه مشترک نوشتیم. البته نامه خیلی اجمالی بود؛ می‌توانستیم مفصل‌تر بنویسیم، اما چون کلیات طرح از نظر ما قابل‌قبول نبود، وارد جزئیاتش نشدیم. مهم‌ترین عنصر این طرح این است که کارش جایگزین قانون مطبوعات نیست. مسئله این است که قوانین موجود کشور برای تشکیل تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی، نهادهایی مستقل به وجود آورده‌اند و این طرح استقلال آنها را نشانه گرفته است. به‌جای نهادهای صنفی مثل انجمن صنفی ما که الان وجود دارد، می‌خواهند یک نظام صنفی دولتی جایگزین کنند؛ نظامی که طبعا بعد از به وجود آمدن آن، نهادهای قبلی باید از بین بروند». او درباره تفاوت میان انجمن‌های صنفی موجود و سازمان پیشنهادی می‌گوید: «آن چیزی که دارند به‌جای نهادهای فعلی می‌سازند، اساسا نهادی مستقل نیست. طبق این قانون، پایه‌گذاری آن در وزارت ارشاد اتفاق می‌افتد. افرادی هم که قرار است در سطوح بالای آن انتخاب شوند، باید تأییدیه‌ها و صلاحیت‌هایشان بررسی شود. وقتی نهاد از ابتدا با چنین سازوکاری شکل بگیرد، نمی‌توان آن را مستقل از دولت دانست». اسلامی به بی‌کارکردی این نهاد اشاره می‌کند؛ نهادی که از نظر او اختیاری برای کاری مؤثر ندارد: «فرض کنیم چنین چیزی را درست کردیم، بعد می‌خواهد چه کار کند؟ هیچ اختیاری برای رسیدگی به مشکلات میان روزنامه‌نگاران و شاکیان یا دفاع از روزنامه‌نگاران در آن دیده نشده است. نهایتا چیزی که از این طرح می‌بینیم، طرحی است که هدفش ازبین‌بردن نهادهای صنفی مستقل است. بعضی وقت‌ها آن چیزی که اسمش را مجلس یا دولت یا حکومت می‌گذاریم، برای اینکه راه درست و اصولی را نرود، مسیرهای مختلفی را امتحان می‌کند». از نظر او این روزنامه‌نگار، این طرح اصلی‌ترین بحران روزنامه‌نگاری در ایران یعنی «استقلال» را تشدید می‌کند: «من در آن جلسه جمله‌ای به کار بردم و اینجا هم می‌گویم که ما یک بحران رسانه‌ای داریم؛ یک ابربحران. به گفته بسیاری از کارشناسان، از جمله آقای عبدی که بارها درباره‌اش نوشته، بزرگ‌ترین بحران و مشکل ایران، مشکل رسانه است. این مشکل با قدرتمندشدن رسانه‌های مستقل حل می‌شود؛ رسانه‌ای که بتواند روی پای خودش بایستد، درآمد کسب کند، سود داشته باشد و کارش را پیش ببرد. اما برای اینکه چنین رسانه‌ای به وجود بیاید، باید فضا و آزادی لازم فراهم شود. به نظر ما، این طرح مسیری است برای اینکه آن کار اصلی انجام نشود؛ یعنی به‌جای فراهم‌کردن امکان فعالیت رسانه‌های مستقل، مسیر دیگری را پیش بگیرند». او درباره پیامدهای طرح در وضعیت کنونی روزنامه‌نگاری می‌گوید: «اگر بپرسید این طرح در این زمان چه حاصلی دارد، ما در همان نامه هم نوشتیم که هیچ‌کدام از مشکلات صنف را حل نمی‌کند و مشکلاتی را که روزنامه‌نگاری در ایران دارد، بیشتر نیز می‌کند. اینکه چرا دنبال چنین طرحی هستند، به نظر من به این برمی‌گردد که الگویی در ذهنشان دارند؛ الگویی که در گفت‌وگوهایی که داشتیم، بارها بر آن تأکید کردند: سازمان نظام پزشکی». اسلامی این قیاس را نادرست می‌داند: «نمی‌شود پزشکان را با روزنامه‌نگاران مقایسه کرد و گفت چون نظام صنفی پزشکان کار می‌کند، پس اینجا هم باید همان کار را بکنیم. این دو دست‌کم در شکل ظاهری و در وضعیت موجودشان شباهتی به هم ندارند. نمی‌توان گفت نظام صنفی پزشکی وجود دارد، پس روزنامه‌نگاری هم باید همان الگو را داشته باشد».

به گفته او، راه‌حل مشکلات، تقویت نهادهای صنفی موجود است، نه جایگزین‌کردن آنها با سازمانی تازه: «ما در گفت‌وگوهایمان تأکید کردیم که نهادهای صنفی موجود را تقویت کنیم، از آنها حمایت کنیم تا قدرتمندتر شوند، اعضای بیشتری داشته باشند و بتوانند کارشان را پیش ببرند. به‌جای این کار، می‌خواهند یک نظام صنفی دیگر درست کنند که ما اسمش را گذاشته‌ایم نظام صنفی دولتی‌ساز. چنین نهادی نه از نظر مرجعیت مورد اعتماد صنف خواهد بود و نه می‌تواند مشکلات روزنامه‌نگاران را حل کند. قوانین و سازوکارهای موجود تا امروز نتوانسته‌اند مشکلات روزنامه‌نگاری را در معنای کلان و خردش برطرف کنند؛ چه مشکلات میان روزنامه‌نگار و مدیرمسئول، چه اختلاف میان خود روزنامه‌نگاران و چه مسئله حقوق معنوی و کپی‌رایت آثار. اینها از مشکلات واقعی صنف هستند، اما چنین طرحی به هیچ‌کدام از آنها پاسخ نمی‌دهد».

با گذشت سال‌ها و بازگشایی دوباره «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، در سال ۱۴۰۵ و با طرح «سازمان نظام خبرنگاری» دوباره بحث ایجاد سازمانی دولتی برای خبرنگاران مطرح شده است. وجود مسائلی که در طرح‌های پیشین نیز بوده، از جمله مسئله «پروانه خبرنگاری» و مسائل انضباطی، این طرح جدید را نیز با انتقادات فراوانی مواجه کرده است